



رامین موق

پس از گذشت ماه‌ها تلاش شوک‌درمانی در بازار رسمی ارز کشور، برخی از اظهارات نشان می‌دهد که دولت به‌فکر یک شوک‌درمانی مجدد، یا به عبارت دیگر، آزادسازی قیمت برق است. در طرح اجرای بندب ماده ۲۳ بر نامه هفتم توسعه، دولت دیگر تعهدی به تامین برق صنایع ندارد و مشترکینی که بیش از ۱۵۰ کیلووات مصرف دارند، باید‌مازاد مصرف خود را طبق بورس انرژی تهیه کنند.

در این طرح وعده داده شده است که مردم درگیر تهیه برقی از بورس انرژی نخواهند شد و هیچ انرژی برای مصرف کنندگان بخش خانگی نخواهد داشت و نگرانی‌ای از این بابت وجود ندارد. اما این استدلال‌ها دیگر نخنما شده است؛ در گران سازی نرخ ارز هم قرار بود تنها رانت برخی مفسدین اقتصادی قطع شود اما نتیجه آن، رکود دشکنی‌های تورم و آب وفت قدرت خرید و سفره مردم بود. با توجه به این بقولی‌های قبلی، اکنون نگرانی‌ها برای اجرای این طرح به اوج خود رسیده است.

هر چند موافقین این طرح استدلال می‌کنند که ناترازی کنونی صنعت برق، به دلیل دخالت دولت و حضور مستقیمش در تولید است بنابراین اگر دولت از این صنعت کنلر یکشد، بخش خودیاد توجه به نامفتمش، تولید برق را ادامه خواهد داد و حتی اگر آزادسازی‌ها به سرانجام برسد، بخش خصوصی برای سرمایه‌گذاری بیشتر، حل ناترازی و توسعه صنعت ترغیب خواهد شد.

ابوالفضل گرمایی، کارشناس و تحلیلگر ارشد اقتصاد کلان، در گفت‌وگوبا «توسعه ایرانی» به‌ارزیایی همه‌جانبه از طرح پیش‌روی دولت در حوزه برق پرداخته است.

وزیربای کلی شما از طرح آزادسازی قیمت برق و سپردن معاملات آن به بورس انرژی، و همچنین استدلال موافقان این طرح چیست؟

شروع استدلال‌های طرفداران آزادسازی انرژی باین موضوع است که باید با برق به عنوان یک کالا بر خورد کنیم و نه یک خدمت عمومی.

موفقین این طرح ادعا دارند؛ آنجایی که با برق، به صورت کالا بر خورد نمی‌شود، پس یک نظام قیمت‌گذاری صحیح نیز در سار آن وجود ندارد بنابراین مصرف آن بهینه نیست، باعث ایجاد ناترازی می‌شود و از طرف دیگر، سرمایه‌گذاران خصوصی رغبتی به ورود به این صنعت ندارند. در این استدلال‌ها، چند ابهام روبه‌رو هستیم؛ اولاً زمانی می‌توانیم از برق به عنوان یک کالا بر مبریم که عملاً بتوانیم تصور کنیم که یک مصرف‌کننده می‌تواند از این کالا صرف‌نظر کند یا بتواند بر با کالای دیگری جایگزین

کارشناس و تحلیلگر ارشد اقتصاد کلان: انجام معاملات مسفته قابلیت اثر گذاری بر قیمت واحدهای فیزیکی هم دارد، یعنی قیمت برق مور داستفاده مردم می‌توانند دقیقاً تحت تأثیر سفته‌بازی در بازار بورس قرار بگیرد. تصور کنید هجوم سفته‌بازان بر بازار معاملات این بخش چه بلایی بر سر هزینه تولید خانوار صنعتی و خدماتی خواهد آورد!

کنند در حالی که در دنیای کنونی، حفظ حداقلی از استانداردهای زندگی ایجاب می‌کند که یک سطح حداقلی از مصرف برق ضروری باشد و حاکمیت موظف است این حداقل را برای شهروندان فراهم کند بنابراین در این سطح حداقلی، موضوعی تحت عنوان کلان‌بازیم بلکه باید با یک خدمت عمومی صحبت کنیم.

از طرف دیگر باید توجه کنیم که اصلاً قیمت خوردن این خدمت عمومی در بازار ایران، به عنوان کشوری که دارنده رانت منابع گاز است، چالش برانگیز است به این علت که هر شهر وند ایرانی با توجه به اینکه مالکیتی پیشینی بر منابع گازی کشور دارد، بخش بزرگی از هزینه تولید برق را قبلاً پرداخته است بنابراین نمی‌توانیم به راحتی منابع قیمت‌گذاری برق را در ایران، با کشوری که فاقد منابع گازی است مقایسه کنیم

البته بالا رفتن مصرف برق از یک سطح استاندارد باید مشمول پرداختی‌های تصاعدی شود و این موضوع فقط و فقط به این دلیل است که مشترکان بر مصرف سهیم بالاتری از رانت منابع طبیعی را مصرف می‌کنند پس باید هزینه آن را پرداخت کنند. مشخص تر بگوییم، موافقان آزادسازی برق اعتقاد دارند که ناترازی کنونی ناشی از حضور دولت در این صنعت و رقابت آن با بخش خصوصی است؛ بر این اساس آیا آزادسازی برق، می‌تواند ناترازی موجود برقی را حل کند؟ مسئله حل شدن ناترازی از مسیر آزادسازی قیمت برق حوالی ابهامات

تحلیلگر اقتصاد کلان در گفت‌وگوبا «توسعه ایرانی» در ارزیابی آزادسازی قیمت برق:

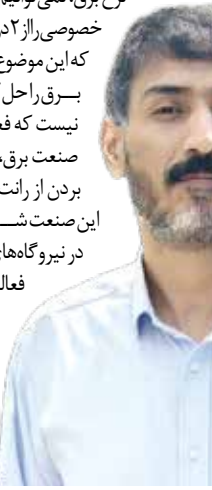
قدرت خرید مردم به نفع نیروگاه‌های حاکمیتی دزدیده می‌شود



زبادی است. همین حالا ظرفیت اسمی تولید برق کشور حدود ۸۵ هزار مگاوات است اما ظرفیت واقعی تولید برق، با توجه به نوساناتی که در دوره‌های کم‌مصرفی یا پیک مصرف وجود دارد، و همچنین بسا توجه تغییر راندمان نیروگاه‌ها در فصل‌های تابستان و زمستان، متفاوت است. و این ظرفیت واقعی تقریباً نزدیک به ۶۰ هزار مگاوات است. استدلال موافقان مبنی بر اینست که اگر قیمت‌ها واقعی شود، بخش خصوصی وارد این صنعت می‌شود و ظرفیت نیروگاهی کشور افزایش پیدا می‌کند. اما در این استدلال، ظرفیت سرمایه‌های بخش خصوصی و انگیزه‌های آن برای ورود به این صنعت، بزرگمایی می‌شود. همین حالا هم بخش خصوصی با انگیزه بهره

بردن از قیمت سوخت بسیار ارزان در این صنعت حضور دارد و اگر سهم دولت و نهادهای عمومی مانند بنیادها را از بخش نیروگاهی کشور حذف کنیم، حداکثر حضور بخش خصوصی از ۱۰۰۰ تا ۱۵۰۰ مگاوات فراتر نمی‌رود و معادل ۱ تا ۲ درصد صنعت برق کشور است. این رقم را مقایسه کنیم با مصرف ۲ هزار مگاواتی ماینری‌های غیر مجاز در کشور؛ یعنی سهم آن‌ها در تولید حتی از سهم مصرف ماینری‌های غیر مجاز هم فراتر نمی‌رود.

باید توجه کنیم که این حضور با توجه به هزینه سوخت تقریباً رایگان اتفاق افتاده است و اگر رقم قیمتی را اعمال کنیم و ادعا کنیم اهرم قیمتی عامل جذابیت سرمایه‌گذاری در این بخش است، حتی با حذف قیمت‌گذاری دستوری و بالا رفتن نرخ سوخت و تبع آن نرخ برق، نمی‌توانیم به یکباره سهم بخش خصوصی را از ۲ درصد کنونی بالاتر ببریم که این موضوع هم ناترازی صنعت برق را حل کند. اتفاقاً اصلاحیه‌ای نیست که فعالان بخش خصوصی صنعت برق، که قبلاً با انگیزه بهره بردن از رانت سوخت ارزان، وارد این صنعت شده‌اند و اکثر این فعالان در نیروگاه‌های یک تاسو مگاواتی فعالند، پس از واقعی شدن قیمت انرژی از صنعت برق خارج شوند مگر اینکه قیمت‌های افزایش‌یخبلی بالایی نسبت به سوخت پیدا کند



بر اساس ماده ۴۲ قانون بر نامه هفتم توسعه، تا پایان سال دوم بر نامه، حداقل ۳۰ درصد معاملات برق باید از طریق بورس انجام شود که هدف گذاری نهایی هم در سال پایان بر نامه، رسیدن به سهم ۶۰ درصدی است اما بخش خانگی از همین ابتدای کار در گبر تبعات این طرح خواهد شد. بر افزایش قیمت برق بنگاه‌ها مسلماً به سبذ هزینه‌ها اصابت می‌کند

که خود این موضوع با یکاثر بومرنگی دوباره به صنعت گاز اصابت می‌کند و دوباره قیمت سوخت را افزایش می‌دهد تا در نهایت یک قیمت تعادلی میان سوخت و برق ایجاد شود. در اینجا نیز مسئله اینست که جامعه تا چه میزان می‌تواند این قیمت تعادلی نهایی را تانل آورد؟ پس به این نتیجه می‌رسیم که این‌س موضوع اصلاً نمی‌تواند ناترازی برقی را حل کند و اینطور نیست که سرمایه‌گذاری بخش خصوصی را افزایش دهد.

دولت ادعا کرده است که با توجه به تعیین حداقل مصرف در محدوده ۱۵۰ هزار مگاوات، بخش خانگی اصلا در گبر تبعات این طرح انرژی نمی‌شود. ارز بایی شما از این استدلال چیست؟

بر اساس ماده ۴۲ قانون برنامه هفتم توسعه، تا پایان سال دوم بر نامه، حداقل ۲۰ درصد معاملات برق باید از طریق بورس انجام شود که هدف‌گذاری نهایی هم در سال پایان بر نامه، رسیدن به سهم ۶۰ درصدی است.

بنابراین خواه و ناخواه بخش خانگی نیز در سال پایانی برنامه در گبر خواهد شد. همچنین حداقل مصرف تعیین شده در مصوبه کنونی دولت برای خرید برق از بورس انرژی، حدود ۱۵۰ کیلووات ساعت است که در سال بعد به حداقل ۲۰۰ کیلووات خواهد رسید و می‌تواند شمار بیشتری از مصرف‌کنندگان را وارد کند. مسلم است که از همین ابتدای کار خانواده‌ها نیز در گبر این موضوع خواهند شد. بر افزایش قیمت برق بنگاه‌ها مسلماً به سبذ هزینه خوارا اصابت می‌کند.

به افزایش هزینه برق بنگاه‌ها اشاره کردید و همانطور که مستحضر هستید، دولت دیگر تعهدی برای تامین برق صنایع نخواهد داشت. این سیاست

اکنون مانند دی ماه ۱۴۰۴، می‌گویند که رانت انرژی باید حذف شود ولی حتی ظاهر سازی طرح قبلی هم در آن وجود ندارد که برای مثال دولت وعده دهد که تبعات گران سازی سوخت نبر و گاه‌ها،

و البته افزایش قیمت برق را به صورت نقدی، جبران کند. بنابراین اثراتی که در حذف‌ارز تر جیحی، یا همان انتقال رانت ارز به مصرف‌کننده نهایی، وجود داشت، در طرح آزادسازی قیمت برق به مراتب شدیدتر خواهد شد

بخش مولد کشور را چگونه می‌تواند تحت تأثیر قرار دهد؟

افزایش قیمت برق اثر مستقیمی بر افزایش هزینه تولید دارد و با اجرای طرح فروش برقی در بورس انرژی باید منتظر تشدید تورم تولیدکننده و البته به تبع آن، تورم مصرف‌کننده در کشور باشیم. موضوع کشف قیمت در بورس انرژی نیز اثر فراینده قیمتی را تشدید می‌کند؛ بورس انرژی شامل واحدهای فیزیکی و مشتقه می‌شود می‌تواند از طریق اوراق مبتنی بر کالاهایز مور معامله قرار بگیرد. این معاملات مشتقه در قالب قرار دادهای آتی یا اختیار انجام می‌شود.

موضوع مهم اینست که انجام معاملات مشتقه قابلیت اثر گذاری بر قیمت واحدهای فیزیکی هم دارد، یعنی قیمت برقی مورد استفاده مردم می‌تواند دقیقاً تحت تأثیر سفته‌بازی در بازار بورس قرار بگیرد. تصور کنید هجوم سفته‌بازان بر بازار معاملات این بخش چه بلایی بر سر هزینه تولید بنگاه‌های صنعتی و خدماتی خواهد آورد! پس آزادسازی قیمت برق حتماً اثر خود را خواهد گذاشت و آنجایی که برق زمین پس در بورس انرژی عرضه می‌شود، می‌تواند هزینه‌های تولید را به شکل فرایند افزایش دهد در دی ماه سال ۱۴۰۴ دولت با گرانسازی نرخ ارز رسمی، یک شوک ارزی به اقتصاد و جامعه تحمیل کرد که همچنان نیز با تبعات آن دست‌وپنجه نرم می‌کنیم؛ آیا کشور از منظر اقتصادی واجتماعی توان تحمل یک شوک دیگر، آن هم در حوزه انرژی را دارد؟ موضوع دقیقاً در همین بخش جالب‌تر می‌شود؛ با وجود گذشت ماه‌ها، اجرای شوک ارزی، تبعات طرح حذف‌ارز تر جیحی بر تورم کالاهو خدمات به‌نحو چشمگیری هنوز پابرجاست و همانطور که انتظار می‌فت، اثرات قیمتی آن بر تمام اقتصاد سرایت کرده و قیمت برخی کالاهاتا چندین برابر افزایش پیدا کرده است و این در حالی است که قرار بود اثرات آن تنها به کالاهای اساسی محدود بماند و در کنار این موضوع، افزایش قیمت کالاهای اساسی با کالایر گ جبران‌ناشدنی برقی به مرز انبساطی طرح‌ناپودی قدرت خرید مصرف‌کنندگان شده است.

همانطور که در موضوع سیاست‌های ارزی استدلال این بود که رانت‌ارز تر جیحی باید به انتهای زنجیر منتقل شود، اکنون می‌گویند که رانت انرژی باید حذف شود ولی حتی ظاهر سازی طرح قبلی هم در آن وجود ندارد که برای مثال دولت وعده دهد که تبعات گران سازی سوخت نیروگاه‌ها، و البته افزایش قیمت برق را به صورت نقدی، جبران کند. بنابراین اثراتی که در حذف‌ارز تر جیحی، یا همان انتقال رانت‌ارز تر جیحی، به مصرف‌کننده نهایی، وجود داشت، در طرح آزادسازی قیمت برق به مراتب شدیدتر خواهد شد. زیرا اثر جبران نقدی هم خبری نیست.

پس این شوک جدید اثرات مخرب‌تری هم خواهد داشت. باید گفت با اجرای این طرح باز هم قدرت خرید از جیب مردم به صاحبان معدود شرکت‌های حکمیتی‌های در حوزه نفت و گاز، و البته فعالان و سفته‌بازان آتی‌های مالی منتقل می‌شود بدون اینکه اثر محسوس و مثبتی بر سرمایه‌گذاری واقعی حوزه برق و حل ناترازی آن بگذارد.

شریف‌زاد در پایان تصریح کرد، با وجود محدودیت‌ها، بازار ر مزارز در ایران همچنان فعال است و کاربران‌ر‌های خود را برای ادامه فعالیت پیدا می‌کنند. فشارها باعث توقف بازار نشده بلکه فقط شکل فعالیت را تغییر داده است. امروز بخش مهمی از اقتصاد مزارزی در ایران به فضایی زیرزمینی‌تر، پر هزینه‌تر و غیر شفاف‌تر منتقل شده فضایی که هم برای کاربران ریسک بیشتری دارد و هم برای کل اکوسیستم فناوری کشور. اگر سیاست‌گذاری در حوزه اینترنت و اقتصاد دیجیتال به سمت محدودسازی و بیشتر حرکت کند، احتمالاً بخش بیشتری از فعالان این حوزه، یا به مهاجرت روی می‌آوردند یا فعالیت خود را به‌طور کامل از ایران خارج خواهند کرد. و نندی که می‌تواند فاصله کو‌سیستم بلاکچین ایران با بازار جهانی را عمیق‌تر از همیشه کند.



این فعال اقتصادی معتقد است مهم‌ترین آسیبی که تحریم فیلترینگ به بازار مزارز کشور وارد کرده، افزایش نااطمینانی و حرکت فعالیت‌ها به سمت فضای غیر شفاف است. او توضیح داد: وقتی دسترسی رسمی محدود می‌شود، بازار به سمت واسطه‌ها، حساب‌های اجاره‌ای و مسیرهای غیر رسمی حرکت می‌کند. این اتفاق هم امنیت کاربران را کاهش می‌دهد و هم امکان نظارت شفاف‌ار از بین می‌برد. بسیاری از کاربران ایرانی حالا دارای اصلی خود را داخل کارت‌ها و حساب‌ها نگه نمی‌دارند و فقط هنگام معامله سرمایه‌وار در حساب می‌کنند؛ موضعی که نشان می‌دهد حتی کاربران حرفه‌ای نیز نسبت به امنیت دارایی‌های خود احساس اطمینان ندارند.

یکی از مصادیق عینی نبود استراتژی پایدار و نگاه کوتاه‌مدت در حکمرانی شهری و انرژی ایران، به حوادث و تصمیمات هفته‌های اخیر بازمی‌گردد. پس از تحریم بحرانی و شرایط پسا جنگ چهل روزه، مدیریت شهری تصمیم گرفت برای کاهش بار روانی جامعه و تسهیل ترده، ناوگان اتوبوس‌رانی و مترو را به صورت موقت رایگان کند. این اقدام با استقبال بی نظیر شهروندان روبه‌رو شد و در همان روزهای نخست، آمار‌های غیر رسمی از کاهش محسوس ترافیک و تمایل بخش زیادی از مالکان خودروهای شخصی به استفاده از قطار‌های شهری حکایت داشت. اما سرانجام این ایده چه شد؟ همان‌طور که انتظار می‌رفت، برتو کراسی فرسوده و نگاه جزیر‌های دستگاه‌ها مانع از تبدیل این فرصت طلایی به یک کلان‌پروژه ملی شد. در حالی که افکار عمومی منتظر ارسال طرح دوفوق‌رئی رایگان شدن دائمی حمل‌ونقل عمومی به شورای شهر بود، در نهایت هیچ لایحه‌ای مبله‌نشد.

بحران بنزین در ایران بیش از آنکه یک چالش فنی یا پالیسگاهی باشد، یک بحران سیاسی-مدیریتی است. تازمانی که وزارت نفت خود را مصرفاً مسئول تولید شبکه‌های بنزین بپنداند، وزارت صمت به حمایت از تولید خودروهای بر مصرف داخلی ادامه دهد، شهرداری‌ها حمل‌ونقل عمومی را واحه‌مالصحه کمبود بودجه‌کنند و شورای عالی انرژی نقش یک نهاد تشریفاتی را بازی کند، ناترازی بنزین حل نخواهد شد.

خبر اقتصادی

سختگوی وزارت صمت خبر داد:

تعیین صندوق ویژه برای جبران خسارت واحدهای آسیب‌دیده



سختگوی وزارت صمت خبر داد: یکی از صندوق‌های زیرمجموعه وزارت صمت به عنوان صندوق جبران خسارت واحدهای تولیدی آسیب‌دیده به جنگ تعیین می‌شود. به گزارش تسنیم، عزت‌الله زارعی ادامه داد: واحدهایی مانند فولاد مبارک و فولاد خوزستان به دلیل تأثیر گسترده بر بازار، در اولویت بازگشت سریع به چرخه تولید قرار دارند. برای واحدهای کوچک که کمتر از ۱۰ میلیارد تومان خسارت دیده‌اند نیز با همکاری بنیاد برکت برنامه جبران خسارت در نظر گرفته شده و برای صنایع متوسط نیز بسته‌های حمایتی بانکی و وزارتخانه‌ای پیش‌بینی شده است.

سختگوی صنعت آب:

قیمت فعلی آب مشوق اسراف است

سختگوی صنعت آب اشاره به وضعیت بحرانی ۴۰۰ دشت مصنوعه و فرونشست ۳۰۰ منطقه، قیمت پایین آب را مشوق اسراف دانست و تأکید کرد که جبر هبندی راه‌حل نیست. عیسی بزرگ‌زاده با بیان اینکه «مدیریت مصرف» بسیار موثرتر از «جبر هبندی» است، اظهار داشت: قیمت پایین آب در عمل به مشوقی بنه‌ان برای اسراف تبدیل شده است و همین مسئله مدیریت منابع را دشوار تر کرده است. او توضیح داد: در بخش کشاورزی، قیمت فعلی آب مشوق اسراف است. در بخش خانگی هم برای کسانی که بالاتر از الگومصرف می‌کنند، تعرفه‌ها هنوز بازدارندگی لازم را ندارد.

جهش ۷۰ هزار واحدی بازار سهام

بورس تهران روز شنبه با جهش بیش از ۷۰ هزار واحدی شاخص کل، بار دیگر وارد کانال ۳۸ میلیون واحد شد؛ صعودی که با رشد همزمان شاخص هم‌وزن و افزایش تقاضا در اغلب نمادها همراه بوده. به گزارش روی‌داد، بازار سرمایه در دوم خردادماه یکی از پر قدرت‌ترین روزهای معاملاتی خود در هفته‌های اخیر را پشت سر گذاشت؛ روزی که با رشد قابل توجه شاخص‌های اصلی و افزایش تقاضا در اغلب گروه‌های بورسی همراه شد و بار دیگر امیدواری‌ها نسبت به تداوم روند صعودی در بازار، شمایار را افزایش داد. هم‌زمانی رشد شاخص کل و شاخص هم‌وزن نیز بیانگر آن بود که موج تقاضا تنها محدود به چند سهم شاخص‌ساز نبوده و بخش وسیعی از بازار را دربر گرفته است.

معاون وزیر نیرو اعلام کرد:

خروج ۴۷۰۰ مگاوات برق از کشور از مدار

معاون وزیر نیرو گفت: میزان تقاضای پترو شیمی و صنایع آسیب‌دیده از شبکه سراسری حدود ۲ هزار مگاوات برای تابستان است البته این روزها حدود ۱۲۰۰ تا ۱۳۰۰ مگاوات از برق صنایع و پتروشیمی‌ها از شبکه عمومی تامین می‌شود. مصطفی رجبی مشهود در گفت‌وگوبا ایلنا، همچنین عنوان کرد: در جنگ اخیر تقریباً نزدیک به ۴۷۰۰ مگاوات نیرو‌های مربوط به صنایع و پتروشیمی‌ها دچار آسیب شده‌اند که بر نامه‌بریزی می‌شود هر چه زودتر به مدار تولید برگردند.

معاون وزیر نیرو اعلام کرد:

خروج ۴۷۰۰ مگاوات برق از کشور از مدار

معاون وزیر نیرو گفت: میزان تقاضای پتروشیمی و صنایع آسیب‌دیده از شبکه سراسری حدود ۲ هزار مگاوات برای تابستان است البته این روزها حدود ۱۲۰۰ تا ۱۳۰۰ مگاوات از برق صنایع و پتروشیمی‌ها از شبکه عمومی تامین می‌شود. مصطفی رجبی مشهود در گفت‌وگوبا ایلنا، همچنین عنوان کرد: در جنگ اخیر تقریباً نزدیک به ۴۷۰۰ مگاوات نیرو‌های مربوط به صنایع و پتروشیمی‌ها دچار آسیب شده‌اند که بر نامه‌بریزی می‌شود هر چه زودتر به مدار تولید برگردند.

معاون وزیر اقتصاد خبر داد:

آغاز صدور مجوز سکوهای معاملات آنلاین طلا و نقره

معاون وزیر امور اقتصادی و دارایی از فعال شدن گزینه درخواست مجوز ساسانه معاملات بر خط طلا و نقره در درگاه ملی مجوز‌ها با تفریح شنبه، دوم خرداد، خبر داد. به

گزارش ایر، با پیش از این صدور مجوز پلتفرم‌های طلا از زمستان ۱۴۰۳ متوقف شده بود که با مصوبه هیات وزیران در خصوص این نامه جدید فعالیت این پلتفرم‌ها تحت نظارت بانک مرکزی در بهمن ۱۴۰۴ و مذاکره هیات مقرارت‌زایی با این بانک در خصوص راه‌اندازی مجدد و فعال سازی گزینه صدور مجوز سامانه یاسکو معاملات بر خط طلا و نقره در درگاه ملی مجوز‌ها از روز گذشته این امکان فراهم شده است.

رئیس اتاق بازرگانی تبریز:

ماهانه ۳۰ میلیون دلار پشت‌مرز بازرگان هدر می‌رود

رئیس اتاق بازرگانی تبریز عنوان کرد که در مرز بازرگان، ۱۰ هزار کامیون ایرانی منتظر ورود هستند و راننده‌ها حدود ۲ هفته است که در مهم‌ترین مرز وارداتی کشور متوقف شده‌رو روند واردات کالاهای مورد نیاز کشور کند شده است. به گزارش فارس، یونس ژاله‌ادامه داد: این رویه توقف کامیون‌ها، که با محدودیت طرف ترکیه‌ای، تعدد سازمان‌های مستقر در مرز و نبود هماهنگی میان دستگاه‌های مرتبط مواجه است، ماهانه ۳۰ میلیون دلار برای مردم آرد می‌خورد. گفتنی است، حدود ۴۰ روز قبل، ترامپ محاصر علیه بنادر ایران را آغاز کرد تا روند صادرات نفتی و واردات کالاهای اساسی مردم را مختل کند. پس از آن بود که برای مقابله با محاصره، به ظرفیت مرزهای زمینی کشور برای عبور امن و سریع کالا چشم‌دوخته شد.

یک مقام صنفی:

انبارهای بازار موبایل رو به اتمام است

دبیر کنگره و زیست‌بوم موبایل با اشاره به اختلال بنیادین در زنجیره تامین از ابتدای سال ۱۴۰۵ بیان کرد: از ابتدای سال جاری تا همین لحظه، حتی یک ثبت‌سفارش

جدید برای موبایل صورت نگرفته و منشأ از روزلات نیز نامشخص مانده است. شایعه استفاده از زردیون انتقال در میان است. اما این روش با ساختار فعلی بازار موبایل سازگار نیست مگر آنکه تحولاتی در روبه‌های بانکی و مالیاتی رخ دهد تا سبازار گاتان بدون خطر مواجهه با اتهام پولشویی بتواند از آن بهره‌مند شود. این عوامل دست به دست هم داده تا انبارهای بازار رو به اتمام باشد.

گفت و گو

رئیس هیات‌مدیره انجمن بلاکچین مطرح کرد:

اقتصاد رمزارزی ایران زیرزمینی‌تر از همیشه

فقط دوغذغه تحلیل بازار و مدیریت سرمایه در ددر ایران باید هم‌زمان نگران کیفیت VPN، لورفتن IP و امنیت حسابش هم باشد.

رئیس هیات‌مدیره انجمن بلاکچین ایران در ادامه با اشاره به محدودیت‌های Binance برای کاربران ایرانی گفت: بایننس سال‌هاست به‌صورت رسمی به ایران سرویس نمی‌دهد، اما موقعیت این است که بخش قابل توجهی از معامله‌گران رمزارز کشور اظهار کرد: بر خلاف تصور برخی حرفه‌ای معمولاً دیگر از VPN‌های معمولی استفاده نمی‌کنند و به‌سخت VPS یا IP ثابت رفته‌اند تا احتمال شناسایی موقعیت جغرافیایی شان کاهش پیدا کند. بخشی از کاربران هم به استفاده از حساب‌های احراز هویت‌شده کشورهای دیگر روی آوردند که خودش یک بازار خاکستری جدید ایجاد کرده است. همین شرایط باعث شده هزینه فعالیت برای کاربران ایرانی نسبت به معامله‌گران سایر کشورها به مراتب بالاتر باشد. او تصریح کرد: کاربران ایرانی علاوه بر کارمزدهای، عملاً هزینه تحریم را هم پرداخت می‌کنند؛ از خرید VPN و سرور گرفته تا ریسک از دست رفتن حساب و دارایی.

رئیس هیات‌مدیره انجمن بلاکچین ایران معتقد است: بازار رمزارز ایران زیر فشار هم‌زمان تحریم، فیلترینگ و محدودیت اینترنت، به سمت فعالیت‌های غیر شفاف‌وزیرزمینی حرکت کرده و کاربران ایرانی‌ها نیز به سنگینی برای حضور در بازار جهانی کریپتو پرداخت می‌کنند. همگامه شریف‌زاد در گفت‌وگوبا اقتصاد آنلاین، با اشاره به تأثیر اختلا رمزارز، نیتن‌ترین بازاران رمزارز کشور اظهار کرد: بر خلاف تصور برخی سیاست‌گذاران، محدودیت اینترنت فقط روی شبکه‌های اجتماعی اثر نگذاشته و عملآ بخشی از زیرساخت فعالیت کاربران رمزارزی را مختل کرده است. بسیاری از معامله‌گران ایرانی برای دسترسی به صرافی‌های خارجی، کیف پول‌ها و پلتفرم‌های مالی غیرمتمرکز ناچار به استفاده دائمی از VPN و ابزار‌های تغییر IP هستند. موضوعی که علاوه بر افزایش هزینه‌ها، ریسک امنیتی بالایی نیز ایجاد کرده است.

به گفته او، قطع و وصل شدن اینترنت با تغییر ناگهانی IP می‌تواند باعث سلسا شدن سیستم‌های امنیتی صرافی‌های خارجی شود و حتی به مسدود شدن حساب کاربران منجر شود. کاربری که در کشور‌های دیگر

گزارش

از خودکفایی تا کسری ۱۵ میلیون لیتری بنزین:

کارآیی سهمیه‌بندی کارت سوخت پایان یافته است

میلیون لیتر در سال ۱۴۰۴ و ۱۴۰۵ رسید. این در حالی است که سقف تولیدی یا پیشگانه‌های کشور در بهترین حالت روی عدد ۱۱۵ میلیون لیتر در روز قفل شده است. نتیجه این معادله ساده ریاضی، بازگشت خسارت‌بار گزیننه‌ای است که سال‌ها تلاش شد از ادبیات اقتصادی کشور حذف نشود؛ «واردات بنزین». امروز کشور روزانه با کسری حداقل ۱۵ میلیون لیتری مواجه است و این حفره عمیق باید با راه‌های کمیاب‌نفتی پر شود. اما ریشه این جهش عجیب کجاست؟ آیا مقصر تنها مردم و خودروهایشان هستند یا ساختار حکمرانی انرژی در چرخه‌ای چهل‌ساله از تصمیمات اشتباه در جامی‌زند؟ این گزارش در چارچوب نگاه کارشناسی و توسعه‌محور، به کالبدشکافی بحرانی می‌پردازد که بیش از آنکه حاصل کمبود تولید باشد، مصداق شکست سیاستی‌های مدیریت مصرف است.

در تحلیل‌های رسمی و گزارش‌های دولتی، اولین و آسان‌ترین منته‌برای توجیه ناترازی، افزایش تعداد خودروها در چرخه حمل‌ونقل کشور معرفی می‌شود. تردیدی نیست که سالانه صدها هزار خودروی